

يادداشت

برجام و ضرورت میان‌داری

– منافع ضد ملی و غیر انسانی صاحبان منافع مقرر درون‌مرزی و برون‌مرزی و قس علیهذا. این در حالی است که همین برجامی که مقدمه و مؤخره آن دست‌کم یک ربع قرن از حیات و ممت کشورمان و مردمش را به خود مشغول داشت و جامع‌الاطرافی داشته اثرات زیادی بر جای گذاشت، هیچ‌گاه به‌گونه‌ای درست و درمان توسط میان‌داران مدنظر این نوشتار مورد داوری قرار نگرفت.

شاید اگر لفظ بی‌کس را برای برجام به کار ببریم، سخن لغوی نگفته باشیم؛ چراکه حتی رقم‌زنندگان و دست‌اندرکاران پیدایش آن هم از آن به‌طور کامل و شفاف رونمایی نکردند تا هویت آن بهامو کلمه آشکار و چیستی و چرایی آن تبیین شود. این جفایی بود که آنان دانسته یا نادانسته روا داشتند و از این نظر ناخواسته با دشمنان برجام همراهی کردند.

برجام را اگر پایان‌یافته هم تلقی کنیم، که البته چنین نیست، باید به درستی و به تمام و کمال روایت شود. این روایتگری در صلاحیت هیچ‌ک از طرفین مورد اشاره نیست؛ چراکه هر دو در عمل نشان داده‌اند سوگیری دارند و یک‌سونگرانه روایت می‌کنند. اینجاست که ضرورت دارد کسانی که ذی‌نفع یا ذی‌ضرر نیستند و جز به منافع ملی به هیچ چیز دیگری نمی‌اندیشند، وارد گود شوند و با استفاده از توانمندی‌های علمی و تجربی و عرق‌ملی‌شان بدون لکت‌ن زبান و بدون در نظر گرفتن خوشایند و ناخوشایند دیگران، نتیجه داوری‌شان را اعلام و علنی کنند.

برجام، چه به بهانه و چه به واقع، کشور را به بلیه دوقطبی‌سازی مبتلا کرده است. این بلیه برای کشورداری و حکمرانی به‌شدت مهلک و خانمان‌سوز است. برای مقابله با آن راهی جز میان‌داری، به شرحی که گذشت، و اعلام آتش‌بس توسط طرفین درگیری نیست. اینک کشور به تمرکز روی موضوعات حادی که با آن دست‌به‌گریبان شده و راهکارهای راهبردی و اجرایی عاجل طلب می‌کند، نیازمند است.

دوقطبی‌سازی تلهای است که نه برای میان‌داران فرصتی برای غور در گذشته و شرایطی که کشور را به اینجا کشاند، فراهم می‌کند و نه اجازه می‌دهد مردم و نظام حکمرانی روی مسائل حاد مبتلا به تمرکز یابند و به چاره‌جویی اهتمام ورزند. طرفه آنکه ضروری است درحالی‌که میان‌داران به صحنه وارد می‌شوند، مخالفان و موافقان برجام به آتش‌بس تن دهند. باشد تا مردم و حکومت فرصت کنند روی خطری که هم‌اینک کشور را درگیر خود کرده است، متمرکز شوند و با تدبیر از این مهلکه عبور کنند.

یک تصویب دیر هنگام و چند پرسش بهنگام

۳. برآورد کمی این مسئولان محترم از حجم آثار مثبت و منفی پیوستن به معاهده چقدر بود و در این ۱۸ سال چه تغییری کرده است که این عزیزان نظرشان را تغییر داده‌اند؟

۴. آیا اهمیت این‌ پرورنده ایجاب نمی‌کند که جمعی از کارشناس اه‌لفن و دلسوز کشور مأمور شوند تا خسارات احتمالی واردشده به کشور از محل تاخیر در این تصمیم‌گیری را با هدف اصلاح ایرادهای احتمالی نظام تصمیم‌گیری و همچنین پاسخ‌گوکردن مسئولان این خسارت برآورد کنند؟ شاید نتیجه این بررسی برخلاف انتظار نگارنده، منجر به تیرئه این مسئولان شود و آنان سی‌اوش‌وار از آتش این بررسی ملی بگذرند و عیار خدمتکاری و صلاحیت‌شان تعیین و تصدیق شود. به بیان دیگر، باید خود این مسئولان محترم هم از این بررسی که البته باید به جمع کارشناسان بی‌طرف و مورد اعتماد مردم محول شود، استقبال کنند.

در پایان، پرسشی از همه مخالفان تصویب معاهده که این‌ روزها برای بازگرداندن آب رفته به جوی دست‌ به قلم شده‌اند، دارم؛ اگر کاترین شکدم هنوز لو نرفته بود، آیا درباره مصوبه اخیر مجمع تشخیص مصلحت نظام نظری متفاوت با آنچه آنان این روزها می‌نویسند، ارائه می‌کرد؟!

سرمایه سیاسی برای ایران امروز

– رهبران مذهبی نیز سرمایه قدرت اجتماعی را بر مذهب استوار می‌کنند که می‌تواند ثبات‌بخش باشد.
– سرمایه سیاسی همچنین می‌تواند از قدرت اقتصادی یا از درون نظامیان سر بر آورد.

معمولا آنگاه که کشور از قدرت سیاسی مدنی تخلیه شده باشد، این نظامیان هستند که خلا قدرت را ترمیم می‌کنند.

اینک باید دید در ایران کدام‌یک از این سرمایه‌ها به حدی مصرف شده یا محدود شده‌اند که دیگر از نظر تولید قدرت سیاسی عقیم‌اند. اگر ظرفیت‌های تولید سرمایه سیاسی زائل شده باشند، نیروهای سیاسی باید تدبیر کنند که در بحران چگونه می‌توان سرمایه قدرت را «تولید» کرد.

افقی:

۱- فرورفتگی عمیق بین دو کوه- نصف‌النهار

مبدأ از این دهکده در نزدیکی لندن عبور می‌کند-

کشمکش لفظی ۲- حکومت اتحادیه‌ای- آگاهانه-

سنکریزه ۳- پستی در ورزش والیبال- فیلم

درام تاریخی و حماسی ساخته ردیلی اسکات

۴- پروردگار- افیون- زبان عربی ۵- گلی آپارتمانی-

خودرن- واحدی نظامی ۶- هدیه چهره‌گشایی

غروس- پرنده شکاری با مقدار کوتاه- حالت عاطفی

۷- پیامبران- کلاه‌گیس- خطاب مردان ترکیه

۸- مثل هم- نویسنده آلمانی رمان گروه محکومین ۹-

فاصله دو نت هم‌نام متوالی- پرده‌داری خانه کعبه-

محوطه محصور بناهای مذهبی ۱۰- بله روسی- غار

دیدنی دیواندره- مجمع‌الجزایر میان آمریکای شمالی

و جنوبی ۱۱- بم‌ترین ساز بادی فلزی- قتل‌عام- دنیا

۱۲- غیر از مورد قبلی- هدایت‌کردن- درهم‌پیچیدن

۱۳- فیلمی ساخته کریستوفر نولان با بازی آل پاچینو-

حالات چهره هنرپیشه ۱۴- ثروتمند- کرایه‌دهنده

چهارپایان- رادار ۱۵- شیشه آزمایشگاهی- حمله

همراه با غارتگری- پسر

عمودی:

۱- از رایج‌ترین قالب‌های ارائه آثار در

خوشنویسی- دلاوری- آغوش ۲- جای پا- بازار

۳- فریاد مهیب- ورم معده- توموری که درمان

آن بسیار سخت باشد ۴- درگاه- از آن شکلات

تهیه می‌شود ۵- نوعی چاشنی غذایی- دورافتاده-

سلول جنسی بالغ ۶- موزیسین ژاپنی و خالق قطعه

زیبای جاده ابریشم- اندیشه بی‌سابقه ۷- دوستان-

عبادت‌کردن- گاو یالدار تبت ۸- مذکر- اهل کاشان-

رکود امروز ساخت‌وساز در ایران فقط کمبود معامله و افت تقاضا نیست، بلکه برابند تورم مزمن، نااطمینانی‌های ژئوپلیتیکی، خروج سرمایه و گسست در بازار کار است. حاصل این هم‌افزایی، «سختی ساخت» و «بی‌صرفگی سرمایه‌گذاری مولد» است. با این حال، با شفافیت داده، قراردادهای مقاوم در برابر تورم، سیاست واقع‌گرایانه نیروی کار و مالی‌سازی هوشمند می‌توان مسیر خروج را کوتاه‌تر کرد. تورم مزمن پرزورترین متغیر اخلاک‌گر است. وقتی تورم سالانه بالا می‌ماند، هر برآورد هزینه‌اگر به‌روز نشود، در مدت چند ماه فرومی‌یابد؛ حاشیه سود پیمانکار و سازنده خورده می‌شود و زمان‌بندی بی‌معنا. این فشار در نهادهای ساختمانی برجسته‌تر است؛ طبق گزارش‌های رسمی، شاخص قیمت نهادهای ساختمان مسکونی در فصل‌های اخیر جهش‌های معناداری داشته است.

معنای اجرایی روشن است: فهرست مقادیر و فهرست‌بها اگر بدون سناریونویسی تورمی و بند تعدیل پویا تنظیم نشود، پروژه در نیمه راه از حرکت می‌ایستد. در سمت تقاضا، بازار مسکن به وضعیتی نزدیک به «رکود تورمی» رسیده است؛ قدرت خرید خانوار تضعیف شده و قیمت‌های اسمی چسبیده‌اند. افت شفافیت آماری هم نااطمینانی را تشدید می‌کند؛ ابهامی که برنامه‌ریزی تولید را دشوار و افق سرمایه‌گذاری را تیره می‌کند. تجربه کشورهایی که شفافیت معاملاتی و داده به‌روز را حفظ کرده‌اند، نشان می‌دهد مدیریت انتظارات و کوتاه‌تر شدن زمان خروج از رکود، بیش از هر چیز محصول همین نظم آماری است. بر فراز این متغیرها، سایه ریسک‌های ژئوپلیتیکی بر انتظارات می‌افتد. هزینه تأمین مالی بالا می‌رود و سرمایه‌های سرگردان به پناهگاه‌های سنتی می‌گریزند. نتیجه، دورشدن منابع از ساخت‌وساز مولد است. در بازار کار نیز با شوک عرضه روبه‌رو هستیم؛ هر اختلال در سیاست‌های مهاجرتی به کمبود نیروی ماهر و جهش دستمزد مؤثر می‌انجامد. گزارش‌های میدانی از فشار بر پروژه‌ها در پی خروج یا اخراج گسترده کارگران مهاجر غیرقانونی خبر می‌دهد. پیام سیاستی روشن است: بدون راه‌حل واقع‌گرایانه برای بازار کار -از تنظیم‌گری مهاجرتی تا آموزش مهارت‌محور داخلی- عمق رکود ساختمانی بیشتر می‌شود. این‌همه چرا به رکود قیمت هم‌زمان با تورم نهادهای می‌انجامد؟ چون تقاضای مصرفی زیر فشار کاهش درآمد واقعی و جهش اجاره‌ها تحیف شده و سرمایه‌گذاران در فضای بی‌ثبات به دارایی‌های نقدشونده‌تر پناه می‌برند. سازنده با معادله‌ای نامکن روبه‌رو است: خروجی را نمی‌تواند با قیمت‌های جدید بفروشد، ورودی‌ها هر فصل گران‌تر می‌شوند و تأمین مالی دشوارتر. پیام طبیعی این سازوکار، تعویق پروانه‌ها، کاهش شروع پروژه‌ها و افزایش پروژه‌های نیمه‌تمام است. ادبیات مدیریت پروژه در شوک‌های کلان تأکید می‌کند که مدیریت تقدبنکی سبد پروژه و تسهیم عادلانه ریسک حیاتی‌تر از همیشه‌اند؛ برآورد‌های داخلی هزینه نهاده‌ها هم همین فشار را تأیید می‌کند. در چنین چشم‌اندازی، پرسش عملی این است که چه باید کرد؟ اما پاسخ محتاطانه روشن است: مجموعه‌ای از اصلاحات کوچک، کم‌هزینه و پراثر که هم اعتماد را بازسازی کند و هم ریسک‌های اجرایی را مدیریت کند. مسیر از شفافیت می‌گذرد و به قرارداد، نیروی کار، پروانه و بیمه، ابزارهای مالی و روش

تورم مزمن، نااطمینانی‌های ژئوپلیتیکی، خروج سرمایه و گسست در بازار کار است. حاصل این هم‌افزایی، «سختی ساخت» و «بی‌صرفگی سرمایه‌گذاری مولد» است. با این حال، با شفافیت داده، قراردادهای مقاوم در برابر تورم، سیاست واقع‌گرایانه نیروی کار و مالی‌سازی هوشمند می‌توان مسیر خروج را کوتاه‌تر کرد. تورم مزمن پرزورترین متغیر اخلاک‌گر است. وقتی تورم سالانه بالا می‌ماند، هر برآورد هزینه‌اگر به‌روز نشود، در مدت چند ماه فرومی‌یابد؛ حاشیه سود پیمانکار و سازنده خورده می‌شود و زمان‌بندی بی‌معنا. این فشار در نهادهای ساختمانی برجسته‌تر است؛ طبق گزارش‌های رسمی، شاخص قیمت نهادهای ساختمان مسکونی در فصل‌های اخیر جهش‌های معناداری داشته است.

ساختن در عصر بی‌ثباتی

صنعت ساختمان میان رکود معاملاتی و تورم نهاده‌ها



علی معینی

پژوهشگر سیاست‌گذاری عمومی

ساخت می‌رسد؛ زنجیره‌ای که اگر هم‌زمان تقویت شود، سختی ساخت به‌تدریج تحمل‌پذیر می‌شود. نخست باید شفافیت و پیش‌بینی‌پذیری به قاعده ثابت بدل شود؛ انتشار منظم و هماهنگ داده‌های معاملات و قیمت، اتصال برخط سامانه‌های ثبتی به یک پنل آماری عمومی و طراحی شاخص پیش‌نگر ساخت‌وساز بر پایه پروانه ساختمانی، شروع عملیات و جریان تأمین مالی. خود بهنگام‌بودن داده، انتظارات دبیینانه را تعدیل و هزینه سرمایه را مهار می‌کند. گام بعدی مقاوم‌سازی قرارداده‌ها در برابر تورم است: بازطراحی قراردادهای عمومی و خصوصی با بند تعدیل مبتنی بر شاخص نهاده‌ها، سقف‌گذاری ریسک ارزی و ارجاع به شاخص‌های رسمی. در محیط تورمی، انتقال کامل ریسک افزایش هزینه به پیمانکار معقول و پایدار نیست؛ اتکا به فهرست‌بهای ثابت هم در عمل کار‌خانه تولید پروژه نیمه‌تمام است. در بازار کار، کمبود نیروی ماهر با دستور جایگزین نمی‌شود. بسته‌ای شامل ساماندهی اقامت و کار مهاجران فعال در ساخت‌وساز، برنامه‌های مهارت‌آموزی فشرده برای نیروی داخلی و تسهیل بیمه‌های کارگاهی می‌تواند شوک عرضه را تخفیف دهد و انتظارات هزینه‌ای را مهار کند. شواهد تاریخی این بخش نیز بر نقش نیروی کار مهاجر تأکید دارد و بر سیاست‌گذاری مبتنی بر واقعیت بازار اصرار می‌کند. اما یک مانع فرساینده پیش از شروع کار بسیاری از پروژه‌ها را از یا می‌اندازد: هزینه‌های سرسام‌آور اخذ پروانه و بار بیمه‌های ساختمانی. عوارض متعدد صدور پروانه، تغییر کاربری، تراکم و... همراه با زمان‌های طولانی رسیدگی و رفت‌وبرگشت‌های اداری، جریان نقد پروژه را منفی می‌کند. هم‌زمان حق بیمه قراردادهای ساختمانی، بیمه مسئولیت کارفرما و محاسبات علی‌الراس می‌توانند پیش از ورود به سفت‌کاری، فشار درخ‌ور توجهی بر سرمایه در گردش بگذارن. راهبرد برون‌رفت روشن است: پنجره واحد الکترونیک برای پروانه با زمان‌بندی قطعی و پاسخ‌گویی مشخص، فرمول‌های ساده، شفاف و پایدار برای محاسبه عوارض که حداقل تا یک سال تقویم کنند و شوک‌های خلق‌الساعه ایجاد نکنند، تقسبط هوشمند عوارض و حق بیمه متناسب با پیشرفت فیزیکی به جای دریافت‌های سنگین در ابتدای مسیر، پذیرش ضمانت‌نامه بانکی یا اوراق بازار ساز سرمایه به‌عنوان وثیقه به جای بلوکه نقدبنکی، حذف محاسبات علی‌الراس و اتصال برخط فهرست حقوق و قراردادها برای تعیین دقیق پایه‌های بیمه، اجرای بیمه مسئولیت پلکانی و هدفمند به جای نرخ‌های یکنواخت و هم‌گرایی

تحولات جهانی و سیاست داخلی ایران

آیا زمان تغییر است؟

در دنیای پیچیده و پرفراز و نشیب امروز، هر تحول جهانی نه‌تنها به‌صورت مستقیم بر اقتصاد و سیاست کشورهای مختلف تأثیر می‌گذارد، بلکه می‌تواند ساختارها را به چالش بکشد. یکی از برجسته‌ترین مصادیق این تأثیرات، تغییرات ژئوپلیتیکی و اقتصادی در خاورمیانه و در سطح جهانی است. در ایران، این تحولات می‌تواند به تغییرات عمیق در سیاست داخلی و اولویت‌های اقتصادی و اجتماعی منجر شود. این نوشتار در تلاش است تا به این سؤال پاسخ دهد که آیا سیاستمداران ایرانی قادرند با درک بهنگام این تحولات، استراتژی‌های جدیدی را برای مقابله با چالش‌های داخلی و بین‌المللی پی‌ریزی کنند؟

چالش‌های داخلی ایران و جهان متغیر

چالش‌هایی که امروز ایران با آنها روبه‌رو است، نه‌تنها داخلی است بلکه تحت تأثیر تغییرات بزرگ در سطح جهانی نیز قرار دارد.

بحران‌های اقتصادی جهانی، تحریم‌های بین‌المللی و حتی بازی‌های سیاسی میان قدرت‌های بزرگ، همگی به نوعی بر سیاست‌های داخلی ایران اثرگذارند. اما چگونه می‌توان از این وضعیت استفاده بهینه کرد؟ آیا فرصت‌هایی در دل این چالش‌ها نهفته است که با

سیاست‌های هوشمندانه‌تر بتوانیم از آنها بهره‌برداری کنیم؟

۱. تحول در سیاست‌های جهانی و بازخوانی سیاست خارجی ایران

یکی از بزرگ‌ترین تغییرات در سطح جهانی، تحولات در سیاست‌های قدرت‌های بزرگ است. جنگ‌های تجاری، بحران‌های اقلیمی و سیاست‌های اقتصادی غیرمنتظره کشورهای پیشرفته می‌تواند تأثیراتی مستقیم بر روابط تجاری و دیپلماتیک ایران داشته باشد. در همین حال، سیاست‌های غیرمنتظره قدرت‌های جهانی، به‌ویژه آمریکا، می‌تواند بار دیگر ایران را در موقعیت‌هایی قرار دهد که نگاهی تازه به استراتژی‌های داخلی و خارجی خود داشته باشد. آیا زمان آن نرسیده که ایران سیاست‌های خود را با توجه به این تحولات بازتعریف کند؟ یا به عبارت دیگر، آیا سیاست خارجی ایران به اندازه کافی انعطاف‌پذیر و هوشمندانه است که به تغییرات جهانی پاسخ دهد؟

۲. چالش‌های اقتصادی و ضرورت تحول در درون مرزا

ایران همچنان با مشکلات اقتصادی فراوانی روبه‌رو است؛ از تورم بالا تا بحران‌های ارزی و وابستگی به صادرات نفت. این مشکلات،

جدول ۵۱۶۰ :طراح: بیژن گورانی

نهادهای صادرکننده مجوز و بیمه‌گر برای کاهش استعمال‌های موازی. اگر این بسته اجرا شود، «مرک بیش از شروع» در بسیاری از پروژه‌ها به «شروع مدیریت‌پذیر» تبدیل می‌شود. برای رقابت با جذابیت طلا و ارز نیز باید ابزارهای مولد و نقدشونده فراهم باشد تا سرمایه خرد به پروژه‌های واقعی هدایت شود؛ صندوق‌های زمین و ساختمان و صندوق‌های پروژه، پیوند مستقیم پس‌انداز‌های خرد با پروژه‌های تعریف‌شده را ممکن می‌کنند. اوراق سلف مصالح و ابزارهای تأمین مالی زنجیره‌ای مانند گواهی اعتبار مولد، کلوگاه سرمایه در گردش پیمانکاران را باز می‌کند. طراحی هوشمند این ابزارها از شکل‌گیری موج‌های ورشکستگی جلوگیری خواهد کرد. اصل کلان راهبردی هم این است که از مداخلات قیمتی و مجوزی زائد پرهیز نشود و دولت به نقش‌های حکمیتی قاعده‌گذار، داور و شفاف‌ساز اکتفا کند. بازار، مکانیسم کشف قیمت و جمعیم اطلاعات پراکنده است و مداخلات دولتی سیگنال آن را مخدوش می‌کند. محدودیت‌های اداری و مقررات تراکمی زمین و ساخت، هزینه مسکن را از هزینه واقعی ساخت جدا می‌کنند. کنترل‌های قیمتی سخت اگر چه در کوتاه‌مدت قیمت‌ها را نگه می‌دارد، اما در میان‌مدت عرضه را کم و فشار قیمتی آینده را زیاد می‌کند. نسخه اجرایی روشن است: حقوق مالکیت پیش‌بینی‌پذیر، مجوز ساده و زمان‌مند، داده عمومی به‌روز و رقابت سالم بسیار کارآمدتر از قیمت‌گذاری دستوری و توقف‌های موردی‌اند. درعین‌حال حمایت هدفمند سمت تقاضا می‌تواند نقش ضربه‌گیر اجتماعی را ایفا کند. هم‌زمان باید تکلیف امید بازار روشن شود. تابستان ۱۴۰۴ با تبعات جنگ ۱۲ روزه تحمیلی، تعلیق یا بن‌بست مذاکرات بین‌المللی و خبرهای پی‌درپی از احتمال درگیری دوباره، انتظارات را شکننده کرده است. سرمایه‌های محتاج به پناهگاه‌های سنتی رفته‌اند و جهش‌های طلا و ارز همین را تأیید می‌کند. امیدبخشی در این فضا تنها وعده نیست، کاهش عینی ریسک پروژه و پوشش نبود قطعیّت است؛ تقویم منظم انتشار داده معاملات، قیمت، پروانه و تأمین مالی بدون وقفه، اعلام پنجره ثبات مقرراتی برای منع هر قاعده جدید محل اجرا، قراردادهای شاخص‌محور با سقف ریسک ارزی و امکان ارائه مصالح در بورس کالا، صندوق‌های تضمین تکمیل برای پروژه‌های متوسط و بسته ارتباطی شفاف که هر ماه پیشرفت این محورها را گزارش دهد. بازار وقتی امید را قیمت‌گذاری می‌کند که ریسک عدددار و پوشش‌پذیر باشد و وقتی پول خرد به تولید برمی‌گردد که ابزار نقدشونده مولد پیش چشم باشد و توقف‌های پرهزینه با ضمانت‌های اجرایی نادر شود. حتی اگر تنش‌های سیاسی و امنیتی فرونشیند، بدون بسته‌ای از اصلاحات کوچک اما مؤثر، جهشی در کار نخواهد بود و سناریوی محتمل، رشد حقیقی ناچیز یا اندکی منفی است. راه واقع‌بینانه، تثبیت انتظارات و کاهش ریسک اجرایی با شفافیت داده، قراردادهای مقاوم در برابر تورم، سیاست واقع‌نگر بازار کار، سامان پروانه و بیمه، ابزارهای مالی نقدشونده، صنعتی‌سازی سبک و پرهیز از مداخلات خلق‌الساعه است. هرچا این اجزا کنار هم نباشته‌اند و امیدسازی بر پایه ابزار واقعی پوشش ریسک شکل گرفته است، حتی در اقتصاد ملتهب هم می‌توان «ساخت» را از «سوداگری» جدا کرد و چرخه تولید را دوباره به حرکت انداخت.

اما تنها حاصل فشارهای خارجی نیستند. بسیاری از مشکلات اقتصادی ایران ناشی از سوءمدیریت، عدم شفافیت و فساد داخلی است که در طول سال‌ها در لایه‌های مختلف جامعه و دولت رسوب کرده است. چطور می‌توان در چنین شرایطی، از فرصت‌های جدیدی که در سطح جهانی فراهم می‌شود بهره‌برداری کرد؟ آیا لازم است ساختار اقتصادی ایران به‌طور اساسی بازسازی شود؟ بدون شک، برای برون‌رفت از وضعیت فعلی، به اصلاحات ساختاری در حوزه‌های مختلف اقتصادی نیاز داریم.

۳. تأثیر تحولات اجتماعی و فرهنگی بر سیاست داخلی ایران

تحولات جهانی تنها محدود به سیاست و اقتصاد نیست؛ تغییرات اجتماعی و فرهنگی در دیگر کشورهای جهان نیز تأثیرات خود را بر ایران خواهند گذاشت. این تحولات می‌توانند در شکل‌گیری دیدگاه‌ها و نگرش‌های جدید در داخل کشور مؤثر باشد. جوانان ایرانی امروز با چالش‌های جدیدی روبه‌رو هستند که پیش از این وجود نداشت. فضای مجازی و رسانه‌های اجتماعی توانسته‌اند ارتباطات جهانی را در داخل ایران تسهیل کنند. این تحولات فرهنگی به‌ویژه در عرصه سیاست‌گذاری‌های اجتماعی و فرهنگی قابل توجه هستند.

۴. سیاستمداران ایرانی و چالش‌های مدیریتی در مواجهه با تحولات جهانی

در شرایط کنونی، سیاستمداران ایران باید توانایی لازم برای تحلیل دقیق تحولات جهانی و پیاده‌سازی سیاست‌های سازگار با آنها را داشته باشند. در گذشته بسیاری از تصمیمات سیاسی و اقتصادی در ایران تحت تأثیر شرایط داخلی و بی‌توجه به تحولات جهانی اتخاذ می‌شد، اما امروز ایران باید با نگاهی نو و با درک عمیق‌تر از تحولات جهانی و منطقه‌ای، سیاست‌های داخلی خود را به‌روزرسانی کند. این امر مستلزم تیم‌های کارشناسی و مشاورانی است که توان تحلیل دقیق و بهنگام مسائل جهانی را داشته باشند.

فرصت‌ها و چالش‌ها در دل بحران‌ها

در نهایت، باید بپذیریم که هر بحرانی، به‌ویژه بحران‌های جهانی، فرصت‌هایی نیز در دل خود دارند. ایران می‌تواند از این تحولات به‌عنوان فرصتی برای بازسازی خود استفاده کند. فرصت‌هایی برای اصلاحات اقتصادی، دیپلماتیک، اجتماعی و فرهنگی که می‌تواند آینده بهتری برای کشور رقم بزند. اما این امر نیازمند عزم جدی و مدیریتی هوشمندانه است.

سودوکو سخت ۴۱۵۶

زمان پیشنهادی: ۴۰ دقیقه

قانون‌های حل جدول سودوکو

۱- در هر سطر و ستون باید اعداد یک

تا ۹ نوشته شود. بدیهی است که هیچ

عددی نباید تکرار شود.

۲- در هر مربع ۳×۳ اعداد یک تا

۹ باید نوشته شود و در نتیجه هیچ

عددی نباید تکرار شود.

سودوکو ساده ۴۱۵۶

زمان پیشنهادی: ۲۰ دقیقه

سودوکو

Sudoku یک واژه ترکیبی

ژاپنی به معنای عدد‌های بی‌تکرار

است و امروزه به جدولی از اعداد

گفته می‌شود که به عنوان یک

سرگرمی رایج در نشریات کشورهای

مختلف به چاپ می‌رسد.

حل سودوکو ۴۱۵۵

۵	۲	۱	۶	۱	۸	۳	۴	۷
۸	۳	۶	۵	۴	۷	۱	۲	۹
۴	۷	۱	۲	۳	۹	۱	۸	۵
۱	۵	۲	۸	۱	۳	۶	۷	۴
۹	۶	۸	۴	۷	۲	۵	۳	۱
۷	۴	۱	۵	۶	۲	۱	۸	۳
۶	۸	۷	۳	۹	۵	۴	۱	۲
۲	۱	۵	۷	۶	۴	۹	۸	۳
۳	۹	۴	۸	۲	۱	۷	۶	۵

۱	۷	۴	۸	۳	۹	۵	۶
۹	۶	۴	۷	۵	۱	۳	۸
۸	۵	۳	۶	۹	۲	۴	۱
۴	۱	۹	۷	۳	۵	۶	۸
۵	۸	۷	۲	۶	۱	۳	۹
۶	۳	۹	۵	۱	۸	۲	۷
۲	۹	۱	۳	۷	۶	۴	۵
۳	۴	۵	۸	۶	۹	۷	۱
۷	۱	۶	۲	۴	۵	۸	۹

حل جدول ۵۱۵۹

۱۵	۱۴	۱۳	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱
۱	ق	ا	س	ط	ی	ن	ب	ا	ب	د	ر	ب	س	ی
۲	ع	ا	ز	م	ج	و	ر	ش	ی	د	م	و	د	ن
۳	ت	ا	ز	م	ج	و	ر	ش	ی	د	م	و	د	ن
۴	۵	و	و	ش	ی	و	ر	ا	ب	ش	ت	ا	ب	س
۵	۵	ک	م	ن	ا	ک	و	ر	ی	ل	و	ت	و	ت
۶	م	ا	د	ی	ا	ت	و	ر	ج	ی	ل	ه	ه	ه
۷	۱	د	ا	م	س	ش	ی	ر	ب	ه	ا	ت	ا	ت
۸	ل	و	ز	ی	ا	س	ا	س	ا	ق	ل	م	ق	م
۹	۱	ک	ن	ی	ن	ر	ت	و	ت	و	ا	ت	ر	ا
۱۰	ک	ر	م	س	ی	ر	ی	ر	ا	خ	ر	س	ر	ی
۱۱	۱	ی	ن	ش	ت	ی	ا	ق	ل	م	ی	م	ی	و
۱۲	۱	ق	ا	ر	ن	ی	س	ی	ا	ف	ل	م	ا	و
۱۳	ت	ی	ا	م	ن	ب	ا	ف	ی	ب	ا	ف	ی	ب
۱۴	۱	ا	ر	ب	ا	ب	ه	ا	ب	ه	ا	ر	ی	ا
۱۵	ک	ی	ک											